

اتحاد طبقاتی در گرو خواست طبقاتی است

درحالی که اکثریت جامعه در فقر و فلاکت روزگار را سپری می کنند عده ای اندک از تمام نعمات مادی که خود هیچ نقشی در تهیه اش ندارند از آن برخوردارند. بیکاری بیداد می کند، قیمت مایحتاج روزمره مردم سیر صعودی دارد و مراکز کار و تولید یکی بعد از دیگری تعطیل، یا به علت سوء مدیریت ورشکست میشود. املاک این کارگاهها زیرلوی به اصطلاح خصوصی سازی با قیمت اندک در میان قدرت مداران به حراج گذارده می شود. از دلارهای حاصله از فروش نفت، این سرمایه عمومی خبری نیست، لابد در جای دیگر مردمی محروم تر از ایرانی !!!! وجود دارد که باید به دادشان رسید و از جامعه شان محرومیت زدایی کرد. چه باید کرد؟ آیا باید سر فرود آورد، و تسلیم قضا و قدر شد یا با تدبیر و اندیشه راه برون رفت از این همه مشقات را پیدا نمود؟ تا کی باید برای استثمارگران کاخ و قصر ساخت و خود در آلونک زندگی کرد؟ تا کی باید برای لقمه نانی بخور و نمیر در گرمای سوزان، سرمای شکننده، در محیط های غیر بهداشتی بدون امکانات ایمنی مریض یا نقص عضو شد. واقعا برای بشر امروزی ننگ است پذیرش این همه بدبختی و مصیبت. باید متحد شد و ناقوس پایان این شیوه زندگی را به صدا در آورد. جای تعجب نیست که امروز بیش از هر زمان دیگر شاهد اعتراضات کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی هستیم که برای رسیدن به خواسته های انسانیشان به میدان آمده اند. تحصن، اعتصاب و راه پیمایی می کنند و با عزمی راسخ و به دور از هرگونه ترس و وحشت خواسته های خود را مطرح و برای آن مبارزه می کنند. هرچند بررسی و تحلیل هر کدام از این جنبشها، بنا به ظرفیت و افق دورنمایشان جایگاه مختص به خود را دارا است، اما وجود عینی و واقعی این حرکات در این شرایط خاص، جای خوشحالی است. طبقه کارگر و فعالین آن باید این حرکات اعتراضی را سمت و سوی طبقاتی بخشیده و همسو و همگرا با جنبش ضد سرمایه داری با افقی انسان محوری، عجین و ادغام کنند. آشکار است که طبقه کارگر بر خلاف هرگونه بهره گیری و موج سواری فرقه ای، لیبرالی و قومی در مسیر پر پیچ و خم مبارزه علیه استثمارگران بنا به ظرفیت و توانمندیهای طبقاتی حرکت و مبارزه میکند و تحت تاثیر بیهوده گوییهای تئوری بافان قرار نمیگیرد و در پراتیک خود محوریت تغییر و تحول زندگی بهتر را می گنجد و برای رسیدن به جامعه ای آزاد، برابر و آباد تلاش میکند. هرچند هنوز خواست هایی از قبیل پایان دادن به قرارداد موقت و سفید امضا، پرداخت حقوق معوقه، مرخصی و باز خرید اجباری به سرانجام خود نرسیده است و هنوز طبقه کارگر زیر تازیانه آن قرار دارد. به لحاظ حقوقی، ظرفیت و توانمندی مبارزاتیش نیز باید به خواسته هایی روی آورد که باعث اتحاد و همبستگی بیشتر طبقاتی شود. کارگران نباید فراموش کنند که روی آوردن به ایجاد تشکل های طبقاتی شان، امری ممکن و ضروری است که در این میان میتوان از شوراهای کارگری به عنوان عالیترین تشکل طبقاتی نامبرد، که عزل و انتخاب نمایندگان آن تنها توسط خود کارگران و به دور از هرگونه مداخله خارج از طبقه شان صورت می گیرد. بهتر است طبقه کارگر، امروزه برای پایان دادن به پراکندگی و ایجاد صف متحد و متشکل در مقابل سرمایه داران، این خواسته ها را به عنوان راهکار مثبت و مفید، سرلوحه خود قرار دهد:

اشتغال به کار دائم یا بیمه بیکاری همراه با بیمه تامین اجتماعی برای تمام افرادی که به سن قانونی (در ایران) رسیده اند. تعیین دستمزد نیز باید توسط کارشناسانی صورت گیرد که از طرف خود کارگران انتخاب می شوند و در مورد صنف های کاری دیگر نیز به همین شیوه عمل شود. کار کودکان ممنوع گردد، کار زنان خانه دار شغل محسوب شود و از مساوات کامل اجتماعی، حقوقی و فرهنگی با مردان برخوردار باشند. تحقق این خواسته ها ضمن این که باعث وحدت و یکپارچگی بیشتر کارگران و زحمت کشان می شود، ظرفیت و توانمندی آنان را نیز بطور چشم گیری بالا می برد و زمینه ساز رشد و شکوفایی جنبش عظیم محرومان و ستم دیدگان می شود.